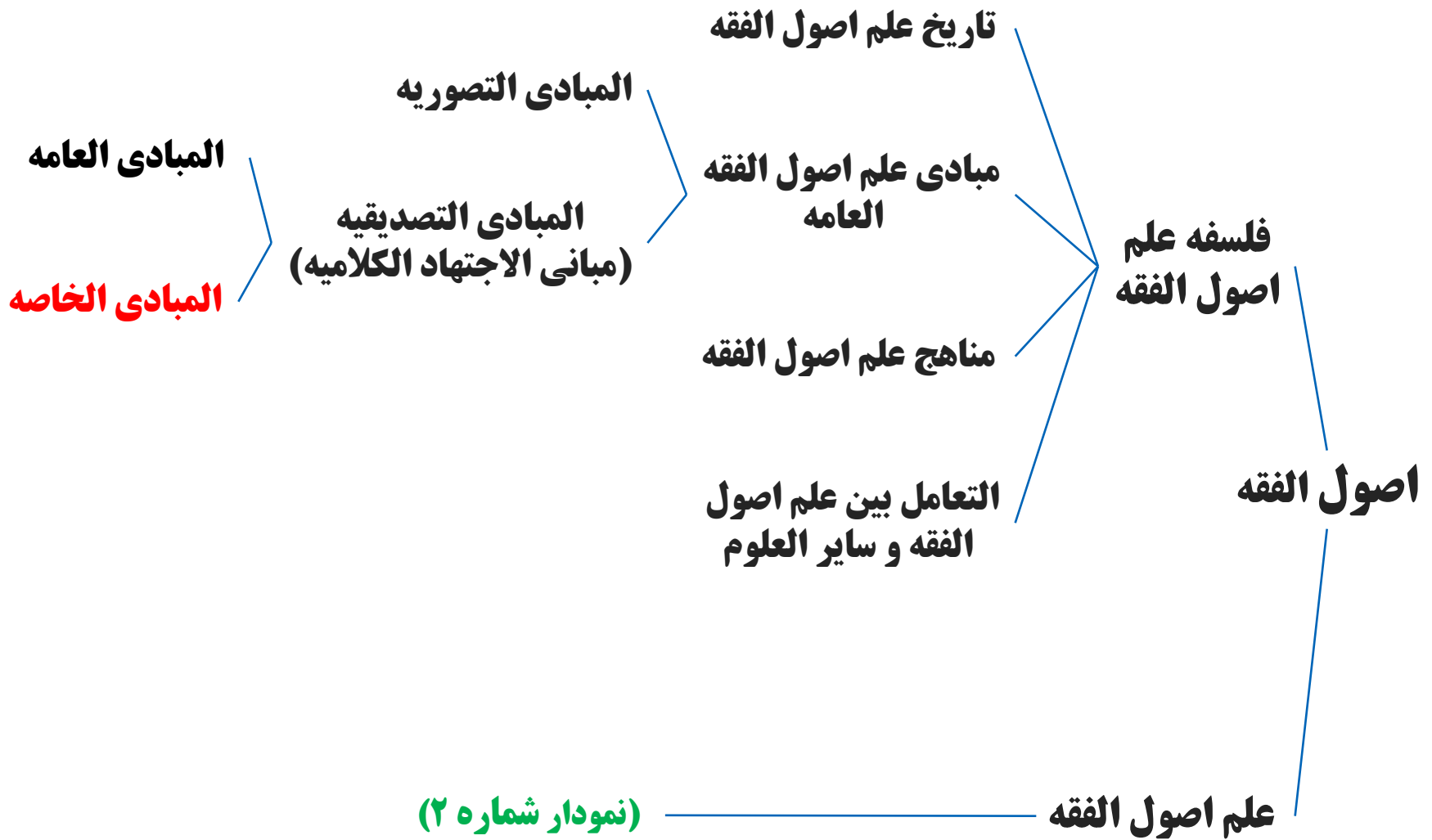


# علم أصول الفقه

١٦-١١-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٤٤

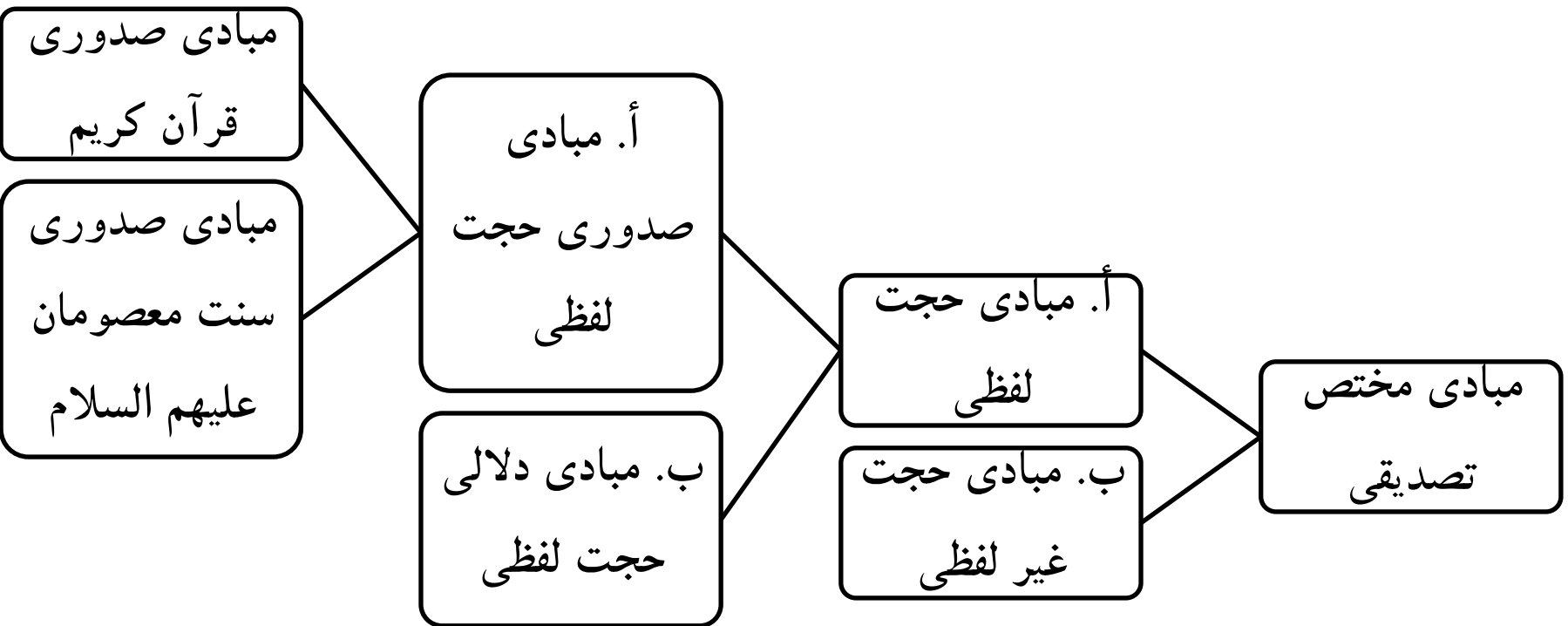
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه



# مبادی صدور قرآن کریم

۱. خدایی بودن قرآن

۲. مصونیت قرآن از تحریف

۳. عصمت وحی

۴. عصمت پیامبر اسلام ص

مبادی  
صدوری قرآن  
کریم

## وحی، راهی مصون از خطا

- حال سؤال این است که آیا در وحی به عنوان یکی از طرق معرفت (البته طریق غیر عادی و غیر متعارف)، همچون طرق عادی معرفت، زمینه‌ی خطا و اشتباه وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال، جواب‌های متعددی می‌توان داد که این جواب‌ها به لحاظ میزان اتقان و استواری، و به لحاظ مقدماتی که نیاز دارند، با هم متفاوتند. در ذیل به این جواب‌ها که در واقع ادله‌ی مصونیت وحی از خطا نیز شمرده می‌شود، می‌پردازیم.

# ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

## • ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

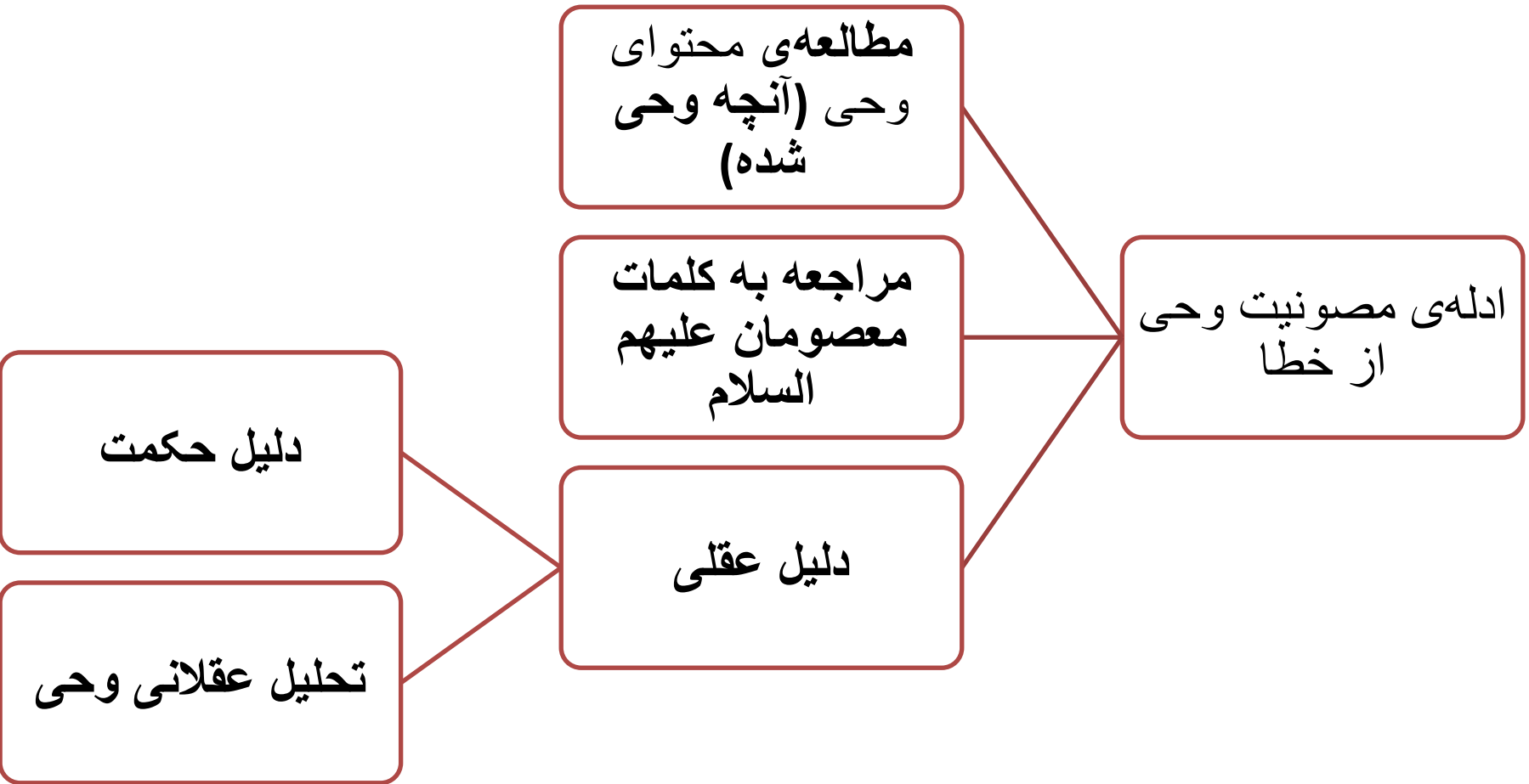
– مطالعه‌ی محتوای وحی (آنچه وحی شده)

– مراجعه به کلمات معصومان علیهم السلام

– دلیل عقلی

• دلیل حکمت

• تحلیل عقلانی وحی



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- از طرق مختلف می‌توان به مصونیت وحی از خطا پی برد:

- مطالعه‌ی محتوای وحی (آنچه وحی شده):

- یکی از طرق که در موضوع مورد نظر می‌تواند ما را یاری کند، مراجعه به چیزی است که وحی شده است. با مطالعه‌ی محتوای وحی، عصمت خود وحی اثبات می‌گردد.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- وقتی به محتوای وحی (قرآن) مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که در طول قرون متمادی، خدش‌های بر آن وارد نشده است. هم به لحاظ معانی و محتوا و هم به لحاظ الفاظ و ویژگی‌های خاص آنها، خصوصیات در آن مشاهده می‌کنیم که با هیچ اثر بشری قابل مقایسه نیست.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- به عبارت دیگر وقتی مجموعه مطالعات خویش را در مورد قرآن، کنار هم قرار می‌دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که اگر قرار بود وحی، طریقی مصون از خطا نباشد، باید آثار سوء ناشی از خطا در آیات قرآن بروز می‌کرد. و حتی اگر این آثار در همان زمان نزول و مدت بیست و سه سال نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خودش را نشان نداده، باید در طول سال‌های بعد و کم‌کم، چهره‌ی برخی از آنها هویدا می‌گشت.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- زیرا وقتی به داده‌های بشری که از طریق عادی به دست می‌آید، می‌نگریم، درمی‌یابیم که اگر چه برخی از آنها در زمان ظهور خویش امری متقن و غیر قابل انکار به نظر می‌رسیدند، اما بعدها خطاهایی در آنها مشاهده می‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- مثلاً مهم‌ترین دستاوردهای بشر در حوزه‌ی ادراکات عقلی او است؛ اما هم او پس از گذشت سالیان، به تصحیح تعلقات خویش پرداخته است. در واقع ما از طریق کشف خطای محتوای ادراکات عقلانی، عدم مصونیت عقل از خطا را به عنوان طریقی برای ادراک، نتیجه می‌گیریم.
- بنابراین اگر شبیه همین کار را در مورد وحی انجام دهیم، یعنی به بررسی محتوای وحی پردازیم و هیچ خلاف و تناقضی در آن نیابیم، حکم به مصونیت آن از خطا می‌کنیم.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در اینجا ذکر دو نکته برای واضح‌تر شدن بحث، لازم به نظر می‌رسد:
- ۱. برخی اطلاعات که در قرآن آمده، قابل اثبات و نفی از طریق ابزارهای بشری نیست. مثلاً ما راهی به شناخت داستان انبیای گذشته، جز از طریق قرآن و کتاب‌های آسمانی نداریم. بنابراین نمی‌توانیم عدم خطا در آنها را مورد قضاوت قرار دهیم. اما بعضی اطلاعات، یا عقلانی است که با مطالعات فلسفی قابل بررسی می‌باشد و یا علمی است که از طریق تجربه یا مطالعات دیگر قابل دست‌یابی است و ما می‌توانیم صحت آنها را با عقل بسنجیم.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- به عبارت دیگر درست است که بعضی موارد وحی، از طریق ابزارهای اداری ما قابل درک نیست، اما اینطور نیست که هیچ یک از داده‌های قرآنی، قابل درک برای عقل بشر نباشد. بخشی از مطالب وحی شده مربوط به حوزه‌های حسی یا حوزه‌های عقلی است و به همین دلیل قرآن می‌فرماید: «و لو کان من عند غیر الله، لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً». یقیناً اختلافی که مورد نظر آیه است، اختلافی است که از طریق عقل بشری قابل درک است؛ چرا که اگر از این طریق قابل درک نبود، این آیه کاملاً بی‌معنا می‌شد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال در طول قرون متمادی که از نزول قرآن می‌گذرد، در همان مواردی که عقل می‌تواند قضاوت نماید، هیچ بطلان واضحی که بیانگر ناسازگاری در داده‌های قرآنی باشد، مشاهده نکرده‌ایم. بلکه ممکن است در ابتدای امر و در برهه‌ای از زمان، تناقضی بین داده‌های بشری و داده‌های قرآنی احساس کنیم، اما پس از مدتی به عدم بطلان داده‌های قرآنی یا احیاناً به عدم تناقض بین داده‌های قرآنی و داده‌های بشری، پی برده‌ایم. از آن سو، هیچ گاه اطلاعات قرآنی به گونه‌ای نبوده که بطلان آنها امری مسلم باشد و عقل بتواند یقیناً آنها را نفی کند؛ نهایتاً هنوز عقل راهی برای کشف آنها نیافته است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بنابراین حتی اگر ایمان خود را به قرآن نادیده بگیریم و قرآن را با قطع نظر از ذهنیتی که یک مسلمان دارد، مورد مطالعه قرار دهیم، نمی‌توانیم با کمک دانش و علم خویش به بطلان قطعی و مسلم موردی از موارد قرآنی دست یابیم و هر چه در علم و دانش بیشتر پیشرفت می‌کنیم به صحت داده‌های قرآنی و اتقان آنها بیشتر پی می‌بریم.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ۲. گاه در آیات قرآنی مطالبی ذکر می‌شود که به نظر می‌رسد با مطلب دیگر و آیه‌ی دیگر در تناقض است. اما با کمی دقت واضح می‌شود که این تناقض، یک تناقض ظاهری و ابتدایی است. همان گونه که اختلاف بین عام و خاص را به تناقض بین آنها تفسیر نمی‌کنیم و معتقدیم که آنها امکان جمع دلالتی دارند. بدیهی است امکان وجود چنین اختلافات ظاهری و ابتدایی، در هر کلام و بیانی هست و این امر، یک امر عقلایی است نه یک امر دینی. دلایل متعددی اقتضا می‌کند که گوینده مطلب خود را به یک گونه بیان نماید و سپس آن را تخصیص بزند یا تقیید کند؛ یا مطلبی را نسخ و مطلب دیگری را جایگزین نماید و....

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ب. مراجعه به کلمات معصومان علیهم السلام: کلمات و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و نحوه‌ی برخورد آنها با قرآن حاکی از آن است که وحی طریقی مصون از خطا است. آنها به صورت مسلم پذیرفته‌اند که مطالب وحیانی، مطابق با واقع است و جای هیچ شک و تردیدی در آن نیست.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ناگفته پیدا است که تمسک به سخنان معصومان علیهم السلام برای اثبات مصونیت وحی از تحریف، نیازمند مقدماتی است که از همه مهم-تر پذیرش عصمت آنها است. ما لا اقل باید عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله را از طریق غیر از قول خود او اثبات کنیم و سپس به استناد قول او، عصمت دیگر معصومان را پذیرا باشیم تا بتوانیم به سخنان آنان تمسک نماییم.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ج. دلیل حکمت:
- این طریق همان گونه که در بحث سنت نیز روشن می‌گردد، هم برای عصمت وحی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم برای عصمت پیامبر و آورنده‌ی وحی.
- متکلمان ما این دلیل را معمولاً برای اثبات عصمت پیامبر به کار می‌برند.

## ادلةى مصونيت وحي از خطا

- البحث الاول: العصمة
- صفة للانسان يمتنع بسببها من فعل المعاصى و لا يمتنع منه بدونها.
- و عندنا: ان النبى معصوم عن الكبائر و الصغائر عمدا و سهوا من حين الطفولية الى آخر العمر.
- و جوز بعض الخوارج صدور جميع الذنوب عن الأنبياء.
- و جوزت المعتزلة و الزيدية وقوع الصغائر عنهم فيما يتعلق بالفتوى دون الكبائر.
- ثم منهم من جوزها سهوا فقط و هو مذهب الاشعرية.

## ادلهى مصونيت وحي از خطا

- فأما ما يتعلق بأداء الشريعة فأجمعوا على انه لا يجوز عليهم فيه التحريف و الخيانة لا عمدا و لا سهوا، و كذلك أجمعوا على ان وقت العصمة هو وقت النبوة دون ما قبله.
- لنا وجوه:
- (احدها) ان غرض الحكيم من البعثة هداية الخلق الى مصالحهم و حثهم بالبشارة و النذارة و اقامة الحجة عليهم بذلك لقوله تعالى رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ «١» فلو لم يجب فى حكمته عصمة
- النبى لناقض غرضه من بعثه و ارساله، لكن اللازم باطل فالملزوم مثله. فعصمة النبى واجبة فى الحكمة.
- اما الملازمة: فلان بتقدير وقوع المعصية منه جاز أن يأمرهم بما هو مفسدة لهم و ينهاهم عما هو مصلحة لهم، و ذلك مستلزم لاغوائهم و اخلالهم، فكان فى بعثه غير معصوم مناقضة للغرض من بعثه.
- و اما بطلان اللازم: فلان مناقضة الغرض يستلزم السفه و العبث، و هما محالان على الحكيم كما تقدم فى باب اللطف.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در این طریق دوباره مروری بر خداشناسی نموده و ویژگی‌های خداوند را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.
- صفتی که بر آن تکیه می‌زنیم تا مدعای خویش را ثابت نماییم، حکمت الهی است. خداوند می‌خواهد چیزی را به بشر ابلاغ کند که خودش راهی برای دست یافتن به آن را ندارد. حکمت او اقتضا می‌کند که از یک سو کسی را عهده‌دار دریافت (تلقی) و رساندن (ابلاغ) وحی نماید که گرفتار خطا و عصیان نمی‌شود و از سوی دیگر راهی را برای ارتباط با این پیامبر برگزیند که از خطا به دور باشد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- اگر خود طریق مصون از خطا نباشد، این امکان وجود دارد که پیامبر با همه‌ی عصمتی که دارد و با این که در دریافت و تلقی وحی و همچنین در رساندن و ابلاغ آن به مردم خطا نمی‌کند، چیزی غیر وحی را دریافت کرده باشد، یعنی آنچه به او رسیده، پیام الهی نباشد. در نتیجه آنچه به مردم ابلاغ می‌کند، غیر آن چیزی است که مراد خداوند است و غرض خالق هستی از ارسال رسل و انزال کتب حاصل نمی‌گردد. مردم به جای این که هدایت شوند، گمراه می‌گردند و از طریق الهی دور می‌افتند.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- از آن سو، علم و قدرت مطلق خداوند، زمینه‌ساز تحقق این دو است. یعنی برخلاف بشر که گاه در انتخاب افراد و گاه در انتخاب طریق ابلاغ دچار خطا می‌شود، خداوند به جهت علمش به تمام آنچه هست و باید باشد و به جهت قدرت بی‌انتهایش هم فرد لایق را برمی‌گزیند و هم راه صحیح را.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بنابراین با این دلیل که از دو دلیل قبل، ساده‌تر، متقن‌تر و قابل اعتمادتر است، دو چیز را می‌توان اثبات نمود:
- ا. خود وحی به عنوان طریق رسیدن پیام الهی به مردم، طریقی مصون از خطا است، چرا که خطای در آن با حکمت و علم و قدرت الهی ناسازگار است.
- ب. پیامبر مسئول دریافت و ابلاغ وحی مصون از خطا است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بدیهی است این دلیل به شکل کلی عصمت پیامبران را ثابت می‌نماید و قدر متیقنی که در عصمت پیامبران مطرح می‌گردد، عصمت آنها در تلقی و ابلاغ وحی است. همچنین واضح است عام بودن دلیل ضربه‌ای به بحث ما نمی‌زند. اگر دلیل اخص از مدعا بود، نمی‌توانست عهده دار اثبات آن باشد، اما اگر دلیل هم ادعا را ثابت نماید هم چیز دیگری را در کنار آن اثبات کند، ضربه‌ای به اصل ادعا نزده است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- نکته‌ی قابل توجه این است که دلیل حکمت، امکان وقوعی خطا در وحی را نفی می‌کند؛ نه امکان ذاتی خطا را. این دلیل می‌گوید: خداوند نمی‌گذارد که در وحی خطایی صورت گیرد؛ او از راهی استفاده می‌کند که هیچ خطایی در آن نیست یعنی یا اجازه‌ی دخالت شیاطین را نمی‌دهد یا اگر شیطان دخالتی نمود بلافاصله و بدون تأنی به پیامبر خویش اطلاع می‌دهد؛ به گونه‌ای که پیامبر قدرت تشخیص موارد و حیانی از غیر آن را پیدا می‌کند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- البته اگر چه دلیل حکمت امکان ذاتی خطا در وحی را نفی نمی‌کند، اما آن را اثبات نیز نمی‌نماید. دلیل حکمت نسبت به امکان ذاتی خطا ساکت است. یقیناً اگر ما توانستیم دلیلی اقامه کنیم که با آن امکان ذاتی خطا نفی شود، دیگر جایی برای امکان وقوعی خطا باقی نمی‌ماند؛ زیرا چیزی که ذاتاً امکان نداشت، واقعاً هم محقق نخواهد شد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- این دلیل در برخی آیات قرآن نیز مطرح شده است؛ مانند آیه ای که ابن میثم بحرانی به آن اشاره کرد: رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ (سورة النساء: ۱۶۵)

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- اما معنای این گفتار این نیست که به قرآن استدلال نموده‌ایم. زیرا قرآن دقیقاً همان چیزی را بیان نموده که ما از طریق عقل اثبات می‌کنیم. عقل بعد از این که صفات خداوند را بررسی می‌نماید و حکمت را از جمله‌ی آن صفات درمی‌یابد و حکمت نبوت را تحلیل می‌کند به این حکم می‌رسد که برای حصول غرض ابلاغ وحی به مردم، چاره‌ای جز این نیست که پیامبر مأمور وحی، و راه و طریق وحی، هر دو مصون از خطا باشند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- د. تحلیل عقلانی وحی: طریقی که می‌تواند امکان ذاتی خطا در وحی را اثبات نماید، از راه تحلیل و بررسی خود وحی به دست می‌آید. واقعاً خود وحی چیست؟ در هنگام وحی چه اتفاقی می‌افتد؟ برای پاسخ به این سؤال باید مقدمه‌ای را که در علوم دیگر همچون منطق مطرح شده و بحث ما بر آن توقف دارد، به صورت خلاصه بیان نماییم:



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- می‌دانیم علم به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود. در علم حصولی صورتی از شیء و در علم حضوری خود معلوم نزد عالم حاضر است. خطا در علم حصولی امکان دارد؛ چرا که ممکن است صورت حاضر در نزد عالم بر صاحب صورت منطبق باشد و ممکن است منطبق نباشد. در صورت اول قضیه صادق و در صورت دوم قضیه کاذب خواهد بود. در واقع در علم حصولی یک حاکی وجود دارد و یک محکی؛ یک صورت و یک صاحب صورت و از آنجا که دوئیت وجود دارد، بحث تطابق و عدم تطابق معنادار است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان تطابق و عدم آن، حتی نسبت به قضایایی که یقیناً صادق و یا یقیناً کاذبند، نیز وجود دارد. چرا که در آنجا هم به هر حال دوئیت متصور است. از این رو، در تعریف خبر می‌گوییم: خبر یا قضیه آن چیزی است که احتمال صدق و کذب دارد. و تعریف شامل تمامی قضایای یقینی، مشکوک، مظنون و موهوم است و قضیه‌ای نیست که از این محدوده خارج باشد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- به عبارت دیگر با وجود این که قضایای یقیناً صادق، حتماً مطابق با واقعند و قضایای یقیناً کاذب، حتماً مطابق با واقع نیستند، اما از آنجا که دو چیز یعنی صورت و صاحب صورت یا حاکی و محکی در آنها وجود دارد، احتمال صدق و کذب نیز در آنها متصور است. حتی قضایای بدیهی و ابده بدیهیات یعنی قضیه‌ی امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض نیز از این قاعده مستثنی نیست. این قضایا مفهوم و صورت‌هایی هستند که از واقعیاتی حکایت می‌کنند و از آنجا که صورت و صاحب صورت وجود دارد، امکان ذاتی خطا در آنها هست و احتمال صدق و کذب دارند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان ذاتی خطا با تحقق شیء از بین نمی‌رود. یعنی در علم حصولی حتی اگر قضیه یقیناً صادق باشد، امکان ذاتی خطا وجود دارد، همچنان که در صورت کذب یقینی قضیه، امکان ذاتی صدق وجود دارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بدیهی است در علم حصولی سخن از احتمال خطا است نه ضرورت خطا. بنابراین ممکن است اصلاً یک علم حصولی هیچ وقت مخالف واقع نباشد؛ چنانچه در قضایای یقیناً صادق و قضایای یقیناً کاذب اینچنین است. اگر قوه‌ی حس، خیال و عقل هر کدام در حوزه‌ی خویش درست عمل کنند، صورت‌های حاصل از آنها همیشه مطابق با واقع خواهد بود و دچار خطا نمی‌شود.
- با این بیان روشن می‌گردد که در علم حضوری اصلاً امکان خطا نیست. زیرا در این علم هیچ دوئیتی وجود ندارد؛ خود معلوم نزد عالم حاضر است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال با توجه به این مقدمه جا دارد پرسیم: وحی از سنخ کدام علم است؟ آیا وحی از سنخ علم حضوری است یا از سنخ علم حصولی؟ در صورت اول امکان ذاتی خطا از بین می‌رود و وحی از خطا مبرا خواهد بود، اما در صورت دوم امکان ذاتی خطا وجود دارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ادعا این است که وحی از سنخ علم حضوری می‌باشد و خود آنچه وحی می‌شود، بدون واسطه در نفس و روح پیامبر، ایجاد می‌گردد. همان طور که در بحث‌های کلامی «کلام و متکلم بودن» خداوند نیز به همین شکل تصویر می‌شود. البته نظرات مختلفی در مورد این صفت الهی ارایه شده است اما نهایتاً نظر صحیح این است که خداوند همان چیزی را که ما با ابزارهای خویش، دریافت می‌کنیم و صورتش را بعد از انتقالات در ذهن داریم، در روح شنونده‌ی او ایجاد می‌کند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در تکلم‌های بشری، متکلم با ابزارهای صوتی خویش، اصواتی را ایجاد می‌کند که باعث ارتعاش هوا می‌شود. هوای مرتعش شده به گوش شنونده می‌رسد و پرده‌ی گوش او را مرتعش می‌سازد. با رسیدن پیام این ارتعاش به مغز، امکان شنیدن صدای متکلم برای مخاطب فراهم می‌گردد و او صورتی از صدای متکلم را دریافت می‌کند. اما مخاطب، خود صدای متکلم را نمی‌یابد، بلکه فقط تصویر و صورتی از صدای متکلم را در نزد خود دارد که چون مطابق با واقع است، گویا خود آن را می‌یابد.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در فرایند دیدن نیز بیننده مستقیماً علم به اشیای اطراف خود پیدا نمی‌کند. علم او به اشیای مرئی از طریق صورت‌هایی است که در ذهن وی وجود دارد. حتی اگر او اشیا را نیز لمس کند، صرفاً اطلاعاتی را کسب می‌نماید که از طریق لمس به او رسیده است و در واقع صورت ملموسی از آن شیء در اختیار او است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بنابراین برای بشر عادی فقط صورت‌های مشموم، مذوق، مسموع، مرئی و ملموس اشیا ممکن است و واقع آن اشیا از دسترس روح بشر خارج است. بشر از طریق واسطه با واقع مرتبط می‌شود و البته چون معمولاً به واسطه توجه ندارد گمان می‌کند که خود آن شیء را می‌بیند، یا می‌شنود، یا می‌بوید، یا می‌چشد، یا لمس می‌کند.
- ادراک بشر نسبت به صورت حضوری است اما ادراک او نسبت به صاحب صورت حصولی است. ادراک خود صورت، دیگر واسطه ندارد اما ادراک صاحب صورت از طریق صورت حاصل می‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال در یک گفتگوی عادی، متکلم معنایی را قصد می‌کند، سپس لفظی را برای آن معنا انتخاب می‌نماید و آن را بر زبان جاری می‌کند. شنونده آن لفظ را می‌شنود و صورتی از آن در ذهنش نقش می‌بندد و از آن به معنا منتقل می‌شود. در تمام این مراحل احتمال خطا از طرف متکلم یا مخاطب وجود دارد. ممکن است متکلم در انتخاب لفظ یا در تلفظ آن دچار خطا شود؛ همچنان که ممکن است شنونده در شنیدن یا در انتقال از لفظ به معنا مرتکب خطا شود. اما اگر متکلم این قدرت را داشته باشد که خود معنا را در ذهن مخاطب خلق و ایجاد نماید، خطا هم وجود ندارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در موارد وحی خداوند آنچه را که وحی می‌شود به نفس پیامبری که به او وحی می‌رسد، ایجاد می‌کند. در واقع خداوند، خود لفظ (اگر وحی لفظ دارد) یا خود معنا و یا واقعیتی را که می‌خواهد به پیامبر خویش القا نماید، در نفس پیامبر ایجاد می‌کند و پیامبر با وساطت چیزی به لفظ یا معنا منتقل نمی‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- آن امر ایجاد شده حتی اگر لفظ هم باشد از سنخ مادی نیست؛ بلکه همان گونه که صورت لفظ برای بشر عادی به علم حضوری موجود است و امری مجرد به حساب می‌آید، آن لفظ یا آن معنای ایجاد شده نیز امری مجرد است و خود آنها در نزد پیامبر حاضر است. خداوند صوتی را در خارج ایجاد نمی‌کند تا پیامبر آن صوت را به علم حصولی دریافت نماید که اگر این گونه بود، احتمال خطا در وحی می‌رفت.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- علامه طباطبایی در ذیل آیه‌ی محکم و متشابهه وقتی به توضیح معنای تفسیر و تأویل و تفاوت آنها می‌پردازد، می‌گوید: تأویل آیات از سنخ معنا نیست، تأویل، واقع خود آیه است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در ذیل آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی شوری نیز که به بحث حقیقت وحی می‌پردازد، می‌گوید: در هنگام وحی نفس پیامبر به دلیل ارتقای معنوی، به مقام و منزلتی می‌رسد که می‌تواند دریافت‌کننده‌ی الفاظ یا ظرف آنها باشد. یعنی پیامبر به الفاظ، معانی و واقع آیات، علم حضوری دارد.